



واحد تهران مرکزی

عنوان واحد: روش شناسی در علوم سیاسی و روابط بین الملل

چگونه پایان نامه ، رساله و مقاله علمی بنویسیم ؟

امیر دبیری مهر^۱

ترم اول سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲

^۱ - دکتری علوم سیاسی

۱- یکی از مشکلات جدی در حوزه مطالعاتی علوم سیاسی و روابط بین الملل عدم آشنایی دقیق و عمیق دانشجویان و پژوهشگران و حتی برخی استادان این حوزه با روش علمی پژوهش در این رشته است و این ضعف باعث می شود فارغ التحصیلان این رشته نتوانند از دانش و معارف اندوخته شده خود در سالهای طولانی تحصیل در قالب پروژه های پژوهشی ، سخنرانی های علمی در کنفرانس های ملی و بین المللی بهره برداری کنند و از این مهم غافل هستند که دانش آموختگان علوم اجتماعی و علوم انسانی بویژه علوم سیاسی و روابط بین الملل صرفا زمانی برون داد موثر در رشته تخصصی خود خواهند داشت که بتوانند از اندوخته ها و یافته های علمی خود در دوران تحصیل در قالب ارایه سخنرانی و مقاله و پژوهش علمی استفاده کرده تا بتوانند به پرسشهای ذهنی و نظری پاسخ دهند (مطالعه و پژوهش نظری و بنیادی) یا مسائل و مشکلات عملی را حل نمایند (مطالعه و پژوهش کاربردی) واقعیت این است که هیچ کدام از این اهداف بدون اشراف بر روش شناسی پژوهش میسر نیست . نگارنده با درک این مشکل بویژه در راهنمایی ، مشاوره و داوری پایان نامه های دانشگاهی و بررسی مقالات علمی و پژوهشی ارسالی برای مجلات علمی ، مصمم شد مقاله حاضر را با هدف کمک به پژوهشگران بویژه دانشجویان برای نوشتن رساله و پژوهشهای علمی تهیه کند و بخشهایی از آن نیز برای نگارش مقالات علمی قابل استفاده است . در این نوشتار با این دغدغه سعی شده است مراحل روش تحقیق و پژوهش به اجمال ارایه شود ، ضمن اینکه امکان بحث تفصیلی بیشتر در ذیل هر بخش وجود خواهد داشت . گفتنی است در نگارش این نوشتار از مقاله خانم دکتر باربارا وون دایدر^۲ مشاور ارشد پایان نامه نویسی در دانشگاه های امریکا با عنوان چگونه رساله بنویسیم^۳ استفاده شده است .

^۲ -Barbara von diether

^۳ -how to write a dissertation

۲- نکته مهم در نوشتن مقالات علمی این است که پایان نامه یا مقاله و پژوهش علمی و دانشگاهی برای کسانی نوشته می شود که با حوزه تخصصی مورد مطالعه شما آشنا هستند . در واقع مخاطبان شما در دایره متخصصان قرار می گیرند که به حوزه مقاله و پژوهش اشراف دارند و به عبارتی همکاران تخصصی^۴ نامیده می شوند. این گونه متن ها برای مردم عادی و عوام^۵ نوشته نمی شود و حتی برای متخصصان دیگر حوزه های دانش نیز نوشته نمی شود برای مثال مقاله علمی در علوم سیاسی لزوما نباید برای متخصصان فلسفه قابل فهم باشد و بالعکس چه برسد برای رشته های پزشکی و مهندسی و طبیعی . از این رو باید توجه داشت که بین مقاله علمی و مقاله ژورنالیستی تفاوت بزرگی وجود دارد . درمقالات ژورنالیستی باید از کاربرد واژه ها و نظریه ها و روش های پیچیده علمی و تخصصی پرهیز کرد زیرا مخاطب مقاله ژورنالیستی مردم عادی و غیر متخصص یا متخصص در حوزه های متفاوت هستند اما مقالات علمی الزاما باید دارای واژه های تخصصی ، نظریه ها و روش های علمی و ضوابط مورد تایید و اجماع دانشمندان رشته مربوطه باشد . در مقاله علمی نمی توان به منظور ساده سازی مفاهیم به گونه ای که مخاطب عادی یا غیر متخصص آنها را درک کند به توضیحات تفصیلی متوسل شد . مثلا در یک مقاله علمی در حوزه علوم سیاسی لازم نیست مفهوم اقتدار گرایی^۶ بعنوان یک مفهوم روش اعمال قدرت توضیح داده شود یا تفاوت قدرت و اقتدار توضیح داده شود زیرا فرض بر این است که خواننده این تفاوت ها را می داند . به همین سیاق در مقاله ای درباره ریاضی نیازی نیست مفاهیمی مانند جبر مجرد، نظریه اعداد، هندسه جبری، نظریه گروه ها، آنالیز ریاضی، آنالیز تابعی، توپولوژی، جبر خطی، نظریه گراف و جبر عمومی شرح داده شود.

برای مثال نمی توان برای کسی که در حوزه آموزش تخصص دارد مقاله ای در حوزه فیزیک نوشت و در مقاله فیزیک درباره مفاهیم پایه ریاضی و معادلات توضیحات تفصیلی ارائه داد. زیرا فرض بر این است که مخاطب مقاله علمی درباره فیزیک با مفاهیم پایه در علم فیزیک مانند قانون نسبیت عام (دینامیک اجسام بزرگ)، مکانیک کوانتومی (دینامیک اجسام ریز)، مکانیک آماری (حرکت آماری ذرات بر پایه دینامیک کوانتومی) و الکترو دینامیک کلاسیک (برهمکنش الکترومغناطیسی و نسبیت

⁴ - knowledgeable peers

⁵ - laymen

⁶ - Authoritarianism

خاص) آشناست . مثال دیگر در حوزه علوم اقتصادی و مفاهیمی مانند اخلاق گرای اقتصادی (مکتب اسکولاستیک) ؛ مکتب سوداگری (مرکانتیلیسم) مکتب اصالت طبیعت (فیزیوکراسی) ؛ مکتب اقتصادی کلاسیک (سنت‌گرایی اقتصادی) و مکتب نهادگرایی است که اگر در مقاله علمی آورده شود نیازی نیست این واژه‌ها تعریف شود.

((ساختار کلان پژوهشهای علمی))

ساختار کلان هر پژوهش های علمی شامل سه بخش است . که عبارتند از مقدمه ^۷ ، متن ^۸ و ضمائم ^۹ . که هر بخش به تفصیل در این مقاله توضیح داده خواهد شد.

۱- (مقدمه)

مقدمه در پژوهش علمی شامل بخشهای زیر است .

عنوان ، چکیده ^{۱۰} ، تقدیم نامه ^{۱۱} ، فهرست مطالب ^{۱۲} ، فهرست اشکال ^{۱۳} ، فهرست جداول ^{۱۴} ، فهرست نمادها و مخفف ها ^{۱۵} ، فهرست ضمائم ^{۱۶} .

در مقالات علمی از زیر بخشهای مقدمه صرفا عنوان و چکیده وجود دارد ضمن اینکه واژه هایی کلیدی نیز در مقاله علمی گنجانده و افزوده می شود.

۱- عنوان :

عنوان یک مقاله یا پژوهش علمی نباید خیلی بلند و بیشتر از ۱۰ کلمه باشد البته هر عنوانی می تواند یک زیر عنوان ^{۱۷} به منظور مقید کردن و توضیح عنوان داشته باشد. برای رساله های دانشگاهی باید صفحه عنوان با ملاحظات زیر تنظیم شود.

۱- آرم دانشگاه

۲- عنوان دانشگاه

۳- نام واحد دانشگاهی و نام دانشکده و نام گروه آموزشی

۴- عنوان پایان نامه

۵- نام استاد راهنما

۶- نام استاد یا استادان مشاور (برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی)

۷- نام نگارنده

⁷-preface

⁸-text

⁹ - supplementary

¹⁰- abstract

¹¹ - acknowledgement

¹² - table of content

¹³ - list of figure

¹⁴ - list of tables

¹⁵ - list of symbols and abbreviations

¹⁶ - list of appendices

¹⁷-sub-title

۸- سال تحصیلی (تاریخ دفاع پایان نامه)

برخی از عنوانهای مناسب برای تحقیق عبارتند از:

یونسکو و رسیدگی به نقض حقوق بشر در ایران (مهرپور، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۲،

تابستان ۱۳۸۳)

رابطه اسلام و دموکراسی در ایران: بررسی آرای متنوع متفکران ایرانی (رساله کارشناسی

ارشد علوم سیاسی، امیر دبیری مهر)

رابطه توسعه سیاسی و گفتگوی عقلانی و انتقادی (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران)

(رساله دکتری تخصصی علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، امیر دبیری مهر)

۲- چکیده مقاله:

چکیده در سه گونه متن‌های پژوهشی آرایه می‌شود گاهی در پیشنهادیه یا طرح نامه^{۱۸} چکیده می

آید که باید حداکثر در دو بند یا پاراگراف ذکر شود. اما در مقالات و پژوهشهای علمی حداکثر بین

۲۵۰ تا ۵۰۰ کلمه و منطبق با استانداردهای دانشگاهی نوشته می‌شود و در ابتدای مقاله قرار می‌گیرد.

یک چکیده علمی که همیشه بعد از پایان نگارش مقاله و پژوهش نوشته می‌شود باید شامل چهار

بخش محتوایی باشد. اول شناسایی مساله و ارتباط آن با موضوع تحقیق، دوم روش پژوهش، سوم

بیان یافته‌های پژوهش بطور اجمالی و در آخر نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش در چکیده آرایه

می‌شود.

تقدیم نامه^{۱۹} و سپاسگزاری:

تقدیم نامه در صفحه‌ای جداگانه به کسانی تقدیم می‌شود که در انگیزه محقق برای انجام تحقیق

موثر واقع شده یا در انجام تحقیق سهم و مشارکت موثری داشته‌اند. این افراد شامل استادان،

خانواده و همکاران و دوستانی می‌شود که در مستقیم یا غیر مستقیم در انجام تحقیق ایفای نقش

¹⁸- proposal

¹⁹-acknowledgement

کرده اند. این صفحه در کتابها هم وجود دارد اما در مقالات علمی برای آن جایی در نظر گرفته نشده است در برخی ایین نامه های تدوین رساله صفحه دیگری نیز برای سپاسگزاری گنجانده شده است که از بعد محتوایی تفاوتی با صفحه تقدیم نامه ندارد.

در خصوص دیگر بخشهای مقدمه تحقیق نکات زیر قابل توجه است :

* صفحاتی که بدون شماره در ابتدای پایان نامه / رساله قرار می گیرند عبارتند از :

- صفحه بسم ...
- تاییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع
- دستورالعمل حق مالکیت مادی و معنوی
- آئین نامه چاپ پایان نامه / رساله
- صفحه عنوان
- تقدیم (در یک صفحه)
- تشکر و قدردانی
- چکیده فارسی به همراه کلیدواژه
- * صفحاتی که با حروف ابجد (الف - ب - ج ...) شماره گذاری می شوند عبارتند از :
- فهرست مطالب
- فهرست علائم و نشانه ها
- فهرست جداول
- فهرست نمودارها، عکسها و نقشه ها
- * صفحاتی که با عدد شماره گذاری میشوند
- از صفحه مقدمه شماره گذاری با اعداد شروع می شود.

* صفحاتی که بدون شماره در انتهای پایان نامه / رساله قرار می گیرند.

- واژه نامه

- ضمائم

- چکیده انگلیسی به همراه کلید واژه

- صفحه عنوان انگلیسی

یک نمونه صفحه عنوان به زبان انگلیسی نیز در زیر می آید.

SAMPLE THESIS TITLE WITH A CONCISE AND ACCURATE DESCRIPTION THAT INCLUDES KEY WORDS AND AVOIDS USING SCIENTIFIC FORMULAS

by

John Doe

B.A., The University of British Columbia, 2008

A THESIS SUBMITTED IN PARTIAL FULFILLMENT OF

THE REQUIREMENTS FOR THE DEGREE OF

MASTER OF ARTS

in

THE COLLEGE OF GRADUATE STUDIES

(Education)

(Program Name: Do not put the words "Faculty", "Department", "Institute", "School", "Centre", or "Program")

THE UNIVERSITY OF BRITISH COLUMBIA

(Vancouver) or (Okanagan)

January 2012

© John Doe, 2012



T.M.U

دانشگاه تربیت مدرس

Information literacy

دانشکده علوم انسانی

Thesis

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی

Submitted in partial fulfillment of the requirements for
the Degree of Mester of Science (M. S) in lprary and
information Science

سواد اطلاعاتی

Department Library and InformationScienceSchool of
Humanities

علی احمدی

TarbiatModarresUniversity

By:

استاد راهنما:

Ali Ahmadi

دکتر محمد حسین فرزاق

Supervisor:

استاد مشاور:

Dr. Mohammad Farzaneh

دکتر زهرا بهشتی

Advisor:

Dr. Zahra Beheshti

مهر ۱۳۷۹

Oct 2000

۲- (متن پژوهش^{۲۰})

متن پژوهش شامل بخشهای زیر است :

۱- مقدمه^{۲۱} :

این مقدمه بعنوان مقدمه متن با مقدمه پژوهش متفاوت است. مقدمه تحقیق در واقع متنی است که از طرح نامه تحقیق استخراج می شود با این تفاوت که افعال طرح نامه ناظر به آینده است ولی در مقدمه افعال ناظر بر حال استمراری است. مانند اینکه می گوئیم در این پژوهش فرصیه عبارت است از تفاوت دیگر این است که سه بخش از طرح نامه مجددا در مقدمه ذکر نمی شود اول مرور ادبیات^{۲۲} است که به شکل تفصیلی در تحقیق به فصل^{۲۳} دوم پژوهش منتقل می شود. روش شناسی^{۲۴} در شکل تفصیلی آن به فصل سوم پژوهش منتقل می شود. در خصوص روش شناسی در پژوهشهای علمی دو دیدگاه وجود دارد یک دیدگاه معتقد است روش شناسی نباید یک فصل از تحقیق را به خود اختصاص دهد، بلکه می تواند چند صفحه ای از مقدمه مندرج در متن به این موضوع اختصاص یابد. اما برخی دیگر معتقدند روش شناسی بعنوان زیربنای پژوهشهای علمی باید در یک فصل جداگانه تهیه شود و حتی دیدگاهی در این بخش وجود دارد که چارچوب مفهومی و نظری را نیز در ذیل روش شناسی تعریف می کند که البته چندان سخن ناصوابی نیست. زیرا روش شناسی پژوهش هم شامل روش گردآوری داده هاست و هم روش تجزیه و تحلیل آنها و هم روش داوری^{۲۵} در خصوص یافته های تحقیق. در واقع رهیافتهای روش شناختی مانند قانون گرایی یا تعمیمی^{۲۶} و تاریخیت باوری^{۲۷} بعنوان رهیافتهای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده و رویکردی مانند عقلانیت انتقادی بعنوان روش شناسی داوری در ذیل فصل روش شناسی قرار می گیرد که در جای خود توضیح داده خواهد شد.

مقدمه متن تحقیق علمی در واقع به مثابه موتور محرک برای بهره برداری بهتر و بیشتر از مستندات و مدارک بدست آمده در تحقیق است که باید با استدلال و تجربی تکمیل شود. به

²⁰-text

²¹ - introduction

²²-literature review

²³ - chapter

²⁴ - methodology

²⁵ -justification

²⁶-nomologicalism

²⁷-historicism

عبارت دیگر مقدمه یک تمرکز دقیق²⁸ روی شکاف علمی مد نظر در پژوهش با شرح ابعاد آن می باشد. عنوان و موضوعات مقالات و پژوهشهای علمی تا حدودی تکراری به نظر می رسند بویژه زمانی که شما واژه یا واژه هایی را برای تعریف و تبیین چیزی بکار می برید سعی می کنید آنها را در یک کلیت به هم پیوند دهید. مقاله ها یک تلاش و تجربه صرف برای خلق و ایجاد نوشته ای در ظاهر و کلمات جدید اما در محتوا و مضمون تکراری نیست بنا بر این تلاش نکنید برای هر چیزی که به آن درمقاله اشاره می کنید صرفا واژه ای جدید بیابید بلکه سعی کنید دیدگاه نوینی را مطرح سازید و برای ارتباط بخشهای مختلف تحقیق به هم باید این مضمون جدید و متفاوت را با جملات ربط به هم متصل کنید.

مقدمه پژوهش علمی شامل بخشهای زیر است :

۱- پاراگراف مقدماتی یا بیان مساله :

جمله ای است عمومی در خصوص زمینه ها و علایق پژوهشگر که با عبارتی در خصوص موضوع عمومی پروژه پژوهشی پایان می یابد. در این بخش نباید خواننده را منتظر نگهداشت به گونه ای که متوجه نشود شما قصد انجام چه کاری دارید. در واقع نباید این پاراگراف طولانی و خسته کننده شود بلکه باید شفاف بوده و از حاشیه روی پرهیز شود.

۲- پیشینه مساله و مشکل²⁹:

حدود ۳ تا ۴ صفحه از مقدمه باید به یافته های اصلی محقق در زمینه تمرکز دقیق روی شکاف علمی اختصاص یابد. این کار اثبات می کند تا کنون در باره این شکاف و خلا علمی کاری و مطالعه ای صورت نگرفته است. نقل قولها در این خصوص باید تا ۵ سال پیش از پژوهش را در برگیرد. این پاراگراف ها باید نشان دهد که مسائل و موضوعات حل نشده باقی مانده اند و یافته ها متناقض هستند. و نگرانی های اجتماعی وجود دارد. مسائل در سطح ملی و بین المللی در محافل آموزشی مطرح است و شما را به سوی درک یک مساله هدایت می کند. البته تفصیل این بحث در بعد نظری همانطور که قبلا اشاره شد در فصل دوم متن تحقیق

²⁸ - narrowly focused

²⁹ -background of the problem

خواهد آمد . اما در این چند پاراگراف مقدمه صرفا به بیان سابقه وجود مشکل و معضل در سطح عملی و مساله و ابهام در سطح نظری و بیان صریح شکاف علمی پرداخته می شود.

۳- طرح مساله و مشکل^{۳۰} :

این بخش از پیشینه مطالعاتی سر بر می آورد و بطور خاص بیان کننده دقیق شکافی است که در پژوهش به دنبال پرکردن آن هستید این خلا و شکاف در واقع مرکز اصلی و نقطه قوت مطالعات شما می باشد اگر مساله ای ما را به انجام تحقیق سوق دهد باید پرسش و مساله را در سطح نظری به خوبی طرح کنیم اما اگر مشکلی و معضلی ما را به سوی تحقیق سوق داده باید مشکل را با ذکر مثالهایی شرح دهیم.

مساله پژوهشی از مشاهده ناسازگاری در وضع موجود موجود و درک نوعی تناقض ، تعارض ، اشفستگی و اختلال میان معرفت و واقعیت که در ما شگفتی ایجاد کند تولد می یابد . گاهی نیز مساله تحقیق زمانی متولد می شود که انتظار مبتنی بر معرفت زمینه ای^{۳۱} ما برآورده نشود . مسائل پژوهشی و علمی دو دسته اند نظری و اجتماعی . مساله نظری نتیجه انتقاد از تئوری و مبتنی بر شکست و ناکارآمدی یک تئوری در تبیین وقایع جدید است . در واقع مساله نظری حرکت از معرفت به سوی مساله و بیان ناهمخوانی آن با واقعیت است . مانند نقد تئوری نظم نوین جهانی و جهان یک قطبی در اوایل دهه ۹۰ میلادی و بیان ناهمخوانی های آن با واقعیات عینی .

اما مساله اجتماعی ناشی از یک مشکل اجتماعی است مانند افزایش خود کشی یا الودگی هوا در این گونه مسائل پژوهشی از واقعیت به سوی مساله حرکت می کنیم و ناهمخوانی آن را با تئوری بیان می کنیم.

نکته بسیار مهم در طرح مساله پژوهشی این است که برخلاف تصور اولیه مساله یابی و فرموله کردن آن دشوار تر از حل آن است زیرا توام با سردرگمی و خستگی است ام پایه تحقیق علمی است^{۳۲} مساله علمی از یک ذهن مشغول به شناخت واقعیت بیرون می آید ذهنی که برای تفکر مجهز به تئوریهای لازم است نه یک ذهن عامیانه ؛ مبهم و عاطفی .

³⁰ -Statement of the problem

³¹ - background knowledge

³² - نگاه کنید به ساعی , علی (۱۳۸۷) روش تحقیق در علوم اجتماعی : با رهیافت عقلانیت انتقادی ، تهران ، سمت

۴- هدف پژوهش^{۳۳}:

یک تا دو پاراگراف از توضیح و اظهارات شما برای مخاطب پژوهش باید به این بخش اختصاص یابد که همانا پرکردن خلا و شکاف مطالعاتی و علمی است . اگر اهداف دیگری نیز مد نظر پژوهشگر است می تواند در این بخش مورد اشاره قرار گیرد . مانند درخواست یک نهاد و سازمان از پژوهشگر و گروه تحقیق برای بررسی یک مساله که می تواند هدف تحقیق باشد.

۵- پرسشهای پژوهش^{۳۴}:

این پرسشها اساس اقدام شما برای حمله به خلا و شکاف علمی است . وقتی که پژوهش شما به پایان رسید سهم شما از علم پاسخهایی است که به این پرسشها داده اید .

۶- فرضیه^{۳۵}:

فرضیه پاسخ احتمالی به پرسش اولیه است که با رجوع به دانش علمی بدست می آید و در صدد حل تعارض و ناسازگاری است . فرضیه در واقع یک ادعای سنجیده و مقبول است در فرضیه سازی باید واقعه را در درون یک قالب نظری قرار داد تا پاسخ نظری از آن استخراج شود از منظری منطقی فرضیه گزاره ای است که ذاتا قابل صدق و کذب است . فرضیه بر دوگونه است یا تبیینی است که برای تحقیق تبیینی بکار می رود و چرایی واقعه را در قالب یک چارچوب نظری تبیین می کند و فرضیه توصیفی برای تحقیق توصیفی است که چگونگی و چیستی واقعه است را در قالب یک چارچوب مفهومی تبیین می کند . نکته مهم این است که بدون فرضیه و تئوری می توان تحقیق کرد اما تحقیق علمی بدون فرضیه و تئوری غیر ممکن است .

فرضیه بیشتر در مطالعات کمی ارایه می شود و هر سوال پژوهشی دو فرضیه دارد . فرضیه

اولیه و فرضیه جانشین^{۳۶}

لازم به یاد آوری است که پیشینه مساله ، بیان مساله و اهداف مطالعه و تحقیق و پرسشهای پژوهش همگی برای تمرکز دقیق بر خلا و شکاف علمی موجود در موضوع تحقیق است .

³³ - purpose of the study

³⁴ -research question(s)

³⁵ - hypotheses

³⁶ -null

۷- اهمیت پژوهش^{۳۷}: این بخش توضیح می دهد که چرا مطالعه و تحقیق در خصوص مساله و موضوع پژوهش مهم است و حل این مساله چگونه می تواند وضعیت بشر و انسان را ارتقا بخشد.

۸- طرح تحقیق یا نقشه پژوهشی^{۳۸}:

شامل سه بخش می شود اول اجزا و موضوعاتی که تحقیق را می سازد دوم ابزارهای بکار رگرفته شده برای جمع اوری داده ها و سوم روش و رویه هایی که در تحلیل یافته ها بکار گرفته شده است .

۹- مفروضات^{۳۹}: یک مفروض در واقع حقیقتی خود مشهود است برای مثال این مفروض است که مشارکت کنندگان در یک پژوهش کمی یا کیفی با بهتر کن توانایی خود به پرسشها پاسخ می دهند.

۹- محدودیتها و محدوده ها^{۴۰}:

محدودیتها شامل تنگناها و مضیقه های محقق یا گروه تحقیق در انجام پژوهش است . مانند سختی دسترسی به برخی داده و اطلاعات یا محدودیتهای مالی یا دوری مسافت برای مطالعات موردی و مشاهده ای.

اما محدود ه ها به معنای بازه های زمانی معین یا مکان مشخص یا جامعه نمونه معین است مثلا وقتی موضوع پژوهش علل گرایش زنان به پدیده مدگرایی باشد می توان زمان آن را به چند سال مشخص و جامعه نمونه را به دختران دانشجوی تهرانی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال محدود کرد .

۱۰- تعریف مفاهیم^{۴۱}:

مفاهیمی که ممکن است نزد همکاران تخصصی بیش از یک معنا را به ذهن متبادر سازد با ید در تحقیق علمی تعریف مشخص شود . مفاهیمی که بین جامعه علمی پیرامون آنها اجماع نظر وجود دارد نیازمند تعریف نیست در بسیاری از رساله ها بدون توجه به این نکته مفاهیمی

³⁷-significance of the study

³⁸-research design

³⁹-assumptions

⁴⁰-limitation or delimitation

⁴¹- definition

مثل حزب و دولت و حاکمیت تعریف می شوند در حالی تعریف مفاهیم فقط برای واژه هایی ضروری است که برداشتهای موجود از آن بسیار متفاوت باشد .

نکته ضروری این است که هر مشاور یا دپارتمانی در مطالعات پژوهشی ممکن است با شناخت خود بخشهایی را به مقدمه تحقیق بیفزاید یا از آن حذف کند یا مفروضات ذیل مقدمه را جابجا کند اما بنیاد و اساس مطالعات پژوهشی باید شامل موارد فوق باشد.

۲- مرور ادبیات

هدف اصلی از مرور ادبیات تحقیق این است که اثبات شود هیچ کس درباره خلا یا شکاف علمی مورد مطالعه شما پژوهشی انجام نداده است . مرور ادبیات یک مطالعه ازاد در باره موضوع تحقیق نیست در واقع این بخش باید نشان دهد که مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق تا کنون نتوانسته خلا یا شکاف مورد مطالعه در پژوهش حاضر را که در فصل یک به آن اشاره شد پر کند.

در مرور ادبیات شما به جملات ربطی نیاز دارید که هر بخش جدید را با آن آغاز کنید و هر بخش با یک نتیجه گیری اشکار و روشن پایان می یابد . و آن مبتنی بر مرور ادبیات پیشین است به گونه ای که نشان دهد شما روی شکاف علمی متمرکز شده اید به شکلی که قبلا کسی چنین مطالعه ای نکرده است . البته نباید فراموش کنید که خلاصه ^{۴۲} سازی با نتیجه گیری ^{۴۳} متفاوت است در واقع خلاصه هر بخش مقدمه ای است برای فصل بعدی .

هدف اصلی فصل دوم عبارت است از استناد عمده به نتیجه گیری ها ؛ یافته ها و روش شناسی موضوعات مرتبط به خلا علمی شرح داده شده در فصل یک . این فصل برای همکاران علمی نوشته می شود و از منابعی که در ارتباط با موضوع و در دسترس هستند و به اسانی قابل بازیابی می باشند تشکیل می شود . بازه زمانی این بازیابی یک دوره ۵ ساله است یعنی اثری که در ۵ سال اخیر به موضوع پژوهش شما و خلا و شکاف مطالعاتی شما اشاره داشته است منابعی که مربوط به سالهای قبل تر است در فضای کلی تر شرح داده می شود . شما باید خواننده را به وجود مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش آگاه کنید و شرح دهید که چه اثری در

⁴² -summary

⁴³ -conclusion

این خصوص تولید شده است و چه کسانی و در کجا این تحقیقات را کامل کرده اند و چه رویکردهایی برای روش شناسی و ساختار بندی و تجزیه و تحلیل اماری آنها بکار گرفته شده است. اگر پیشینه محدودی در خصوص موضوع تحقیق یافتید همان را مطالعه کرده و در قالب یک فصل کوتاه بنویسید و گزارش کنید و شرح دهید که مطالعات کجا صورت گرفته و درباره نویسنده نیز اطلاعاتی ارایه دهید که غالباً در موتورهای جستجو گر مانند گوگل قابل دسترس است و اگر ادبیات و پیشینه فراوانی یافتید فقط روی مطالعات اخیر متمرکز شوید مطالعه و تحقیق شما نیازمند یک بنیاد مستحکم ا ولیه است شما می توانید از روشهای خودتان در تحقیق در این فصل با اشاره به مطالعات مشابه و روشهای بکار گرفته شده در آنها دفاع کنید هر چند شرح روش شناسی تحقیق مربوط به فصل بعدی یعنی فصل سوم است .

فصل ۳: روش شناسی

روش شناسی اعم از روش تحقیق و روش شناسی است . در این فصل روشهای جمع آوری داده ها ، هستی شناسی داده ها از این حیث که داده ها از چه جنس و نوعی هستند ؛ روشهای تجزیه و تحلیل داده ها و پردازش آنها ، رویکرد محقق به موضوع تحقیق و روش داوری درباره یافته های تحقیق بحث علمی و روشمند صورت می گیرد. مجموعه فصل دو و سه چهارچوب نظری تحقیق را ایجاد می کنند . به عبارت دیگر چارچوب نظری تحقیق شامل پیشینه تحقیق ، روش شناسی و چارچوب مفهومی تحقیق است .

برخی مشاوران پژوهشی درک درستی از روش شناسی بعنوان یک فصل تحقیق ندارند و نمی دانند که چرا دانشجویان باید یک فصل در باره روش شناسی بنویسند از این رو این فصل راهبردی و مهم را به چند خط توضیح در خصوص روش جمع آوری داده ها تقلیل می دهند و هیچ فهمی از رابطه این فصل و سوالات اصلی تحقیق و فرضیه ها و متغیرها ندارند در حالی که روش صحیح استخراج پرسش و فرضیه در پژوهش علمی مبتنی بر این بخش است .

فصل روش شناسی شامل بخشهای زیر است.

۱ - موضوع تحقیق : بازگویی مختصر از موضوع تحقیق در یک پاراگراف

۲- طراحی پژوهش مناسب :

این بخش اختیاری است اما برخی کمیسیون های پژوهشی آن را ضروری می دانند. در این بخش در باره تفاوت مطالعات کمی و کیفی و اینکه تلقی شما در خصوص پژوهش در حال انجام و نسبت آن با این دو رویکرد مذکور چیست توضیحاتی ارائه می شود.

۳- رویکرد پژوهشی :

مشخص کنید پژوهش شما تجربی است یا شبه تجربی . رابطه بین متغیرها از نوع همبستگی است یا علی یا مقایسه ای است . کمی است یا کیفی ، یا تلفیقی از روشها ی کمی و کیفی است یا طرح دیگری داری دارید.

۴- طرح تحقیق :

در این بخش متغیرهای مستقل و وابسته یا طبقه بندی شده را معین کنید . برخی مشاوران پژوهشی متغیرها را در فصل جداگانه یا مقدمه تحقیق می آورند یک جمله کاربردی و عملیاتی از فرضیه تحقیق یا فرضیه جانشین آن در این بخش می تواند مرحله ای برای استنباط امار بعدی باشد . در این بخش باید مشخص شود شما قصد تایید یا رد فرضیه را دارید یا هر دو آنها را .

۵- مطالعه موردی :

اگر تحقیق شما نیازمند مطالعه موردی است باید شرح دهید که براساس طرح تحقیق چگونه ابزارهای تحقیق بکار گرفته شده در مطالعه موردی و داده های بدست آمده و چارچوب آن به کل تحقیق تعمیم می یابد.

۶- مشارکت کنندگان :

شرح کاملی از مکانهایی که تحقیق در انجا انجام شده و کسانی که در انجام تحقیق مشارکت داشته اند

۷- ابزارهای تحقیق:

شرح کاملی از ابزارهای جمع اوری داده ها که در بخش ضمائم نیز فهرست آن خواهد آمد.

۸- روش جمع اوری داده ها :

بطور کامل روش جمع اوری داده ها را شرح دهید اگر برای جمع اوری داده ها به موسسات یا افرادی نامه نوشته اید به ان اشاره کنید و متن نامه را در ضمائم بیاورید.

۹- تجزیه و تحلیل داده ها: تعریف دقیقی از روش تجزیه و تحلیل داده های تحقیق بیاورید. در اینجا لازم است توضیح بسیار ضروری در خصوص تفاوت روش های گردآوری داده ها و روش های تجزیه و تحلیل داده ها با روش های داوری داده شود. روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها و بسته به این که واحد مشاهده چه باشد متفاوت است. برای مثال اگر واحد مشاهده محقق اسناد و متن باشد سه روش برای جمع آوری داده ها وجود دارد که عبارتند از ۱- تاریخی ۲- تحلیل محتوا ۳- تحلیل گفتمان (پژوهشهای کیفی)

اما اگر واحد مشاهده فرد و انسانها باشند ۴ روش گردآوری داده ها پیش روی محقق وجود دارد که عبارتند از: ۱- پیمایش اجتماعی ۲- مطالعه میدانی که خود شامل اتنومتدولوژی، اتنوگرافی و منوگرافی می شود ۳- آزمایش ۴- مورد پژوهی (پژوهشهای کمی)

اما روشهای داوری وابسته به نوع گزاره های مشاهده ای است اگر معیار نوع گزاره های مشاهده ای باشد دو روش کمی و کیفی پیش روی محقق است. اگر معیار علت کاوی و معنا کاوی باشد دو روش تعلیلی (علت کاوانه) و تفسیری وجود دارد و اگر معیار سطح تحلیل باشد دو روش توصیفی (پاسخگویی به چه و چرا) و تبیینی (پاسخگویی به چگونگی) وجود دارد.

تحلیل کمی زمانی کاربرد دارد که مفاهیم از طریق معرفتهای تجربی و کمی اندازه گیری شده باشد و ابزار آن تکنیکهای آماری است. در این روش واقعه از بیرون و در دوسطح توصیفی و تبیینی کاویده می شود. در روش توصیفی چگونگی توزیع داده های تجربی هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته از طریق شاخصهای آماری بیان می شود. اما در روش تبیینی با علت کاوی سرو کار داریم و رابطه علی میان متغیرها جستجو می شود. تحلیل کمی استدلالی و آماری است و نتایج تحلیل کمی نیازمند تحلیل تئوریک است و معنا کاوی و استدلال آماری در پی یافتن نظمهای تجربی است. مثلا در تحقیقی مشخص شده که در ایران مدرنیزاسیون به اندازه ۷۲ درصد با دموکراتیزاسیون همبستگی دارد (ساعی، ۱۳۸۶)

اما تحقیق کیفی در سه سطح توصیف و تبیین و تفسیر امکان داوری را برای محقق فراهم می سازد.

در روش توصیفی کیفی چگونگی صفات هر یک از متغیرها جدا از زمینه های اجتماعی آن تشریح می شود و تاکید بر معنای متن است. در روش تبیینی کیفی علت کاوی صورت می گیرد. یعنی زمینه های اجتماعی و تاریخی تاثیر گذار بر متن یا رویداد تحلیل می شود که به آن تحلیل فرامتن نیز گفته می شود برای پاسخ به این پرسش که چرا متن رخ داده است. در روش تفسیری کیفی محقق درصدد بازگو کردن و نشان دادن معنای نهفته در متن یا واقعه درون زمینه است زیرا این روش مبتنی بر این مفروض است که پدیده ها و کنش های اجتماعی افراد ماهیتا معنا دار هستند.

در تحلیل تفسیری سعی می شود معنای متن و حوادث از طریق بازسازی خلاقانه⁴⁴ از درون آنها بیرون کشیده شود تا مشخص شود آنچه متن می گوید چه معنایی دارد. اما توصیه ما در پژوهشهای علوم سیاسی رهیافت تلفیقی است زیرا تحلیل و روشهای کمی دقیق تر از روشهای کیفی است و امکان داوری را بیشتر و بهتر می کند و عینیت تحقیق را افزایش می دهد اما تحلیل کمی نیازمند تحلیل کیفی است زیرا تحلیل کیفی بارمعنایی یافته های کمی را روشن می کند و پژوهشگر هوشمند نباید در تقابل های روش شناختی قانون گرایی - تاریخ باوری یا پوزیتیویسم - تاویل گرایی اسیر شود.

۱۰ ملاحظات اخلاقی :

در این بخش جملات استاندارد و متعارفی در خصوص افراد و موسساتی که در تحقیق مشارکت کرده اند ذکر شود.

11 - روایی اعتبار داخل و خارجی:

صرف نظر از اینکه ابزارهای طرح تحقیق شما چیست و فارغ از اینکه تحقیق شما کمی یا کیفی است باید بگویید که اعتبار و روایی پژوهش شما چه مقدار است و سهم خطاهای اندازه گیری در تحقیق چه مقدار است اعم از خطاهای سیستماتیک و خطاهای تصادفی.

12 - چارچوب نظری :

⁴⁴ -imaginative reconstructive

حل مساله از طريق يافتن تئورى مناسب كه بتواند آن را تبیین كند مهمترين كار در يك پژوهش علمى است كه در ۵ مرحله انجام مى شود.

- ۱ - يافتن تئوريه‌هاى مناسب كه با مساله و موضوع تحقيق مرتبط باشند و توان توجيه و تبين آن را داشته باشند و از متون علمى و آراى صاحب نظران قابل استخراج است. اين منابع موجب الهام گيرى از كار آنها و پرهيز از تكرار مى شود.
- ۲ - طبقه بندى تئوريه‌هاى موجود براساس ارتباطى كه با موضوع تحقيق دارند و توانى كه در تبين مساله ما دارند.
- ۳ - استدلال انتقادى : استدلال انتقادى در چارچوب نظرى تحقيق شامل دو دسته استدلال است يعنى استدلال عقلاى و استدلال تجربى . محقق براى يافتن دستگاه نظرى مناسب براى ارايه راه حل مناسب نيازمند استدلال عقلاى از طريق مقايسه تئورى انتخاب شده با ديگر و نيازمند استدلال تجربى از طريق مقايسه تئورى با واقعيات بيرونى و عينى است .
معيار انتخاب تئورى در تحقيق علمى اين است كه تئورى به حقيقت و صدق نزديك باشد و همچنين قدرت تبين مساله تحقيق را داشته باشد . در فرايند مقايسه و انتخاب تئورى هدف ما آزمودن تئورى ها نيست بلكه هدف انتخاب تئورى اى است كه به مساله ما نزديك تر باشد.
- ۴ - فرموله كردن دستگاه نظرى مناسب : كه در واقع بيان مساله ، اثبات وجود بحران و پرابلماتيك بودن آن و وهمى نبودن آن و در نهايت طرح سوال علمى است . سوال علمى سوالى است كه از ذهن پرسشگر و مسلط به دستاوردهاى نظرى و تجربى يك حوزه شناختى صادر مى شود و محصول تفكر ازاد علمى بر روى دانش علمى است .
- ۵ - استنتاج فرضيات از تئورى :
تئورى سابق بر مشاهده است . اينكه در مواجهه با واقعيت چه چيز را بايد مشاهده كرد را تئورى مى گویند . فرضيه و تئورى شبيه هم هستند زيرا هر دو از گزاره هاى مفهومى ساخته شده اند اما در تئورى اين گزاره هاى عام هستند و ادعاى تعميم پذيرى دارند ولى در فرضيه خاص و مصداقى هستند براى مثال يك

تئوری در علم سیاست مدعی است انقلاب تابعی از نوسازی ناموزون است اما فرضیه آن می گوید انقلاب ایران نتیجه توسعه ناموزون در دوره پهلوی است. متغیرها در فرضیه ی تجربی معنا دارند در فرضیه های نظری ما با مفاهیم سرو کار داریم . فرضیه زمانی علمی است که ابطال پذیر باشد اگر نتوان نشان داد که فرضیه در چه شرایطی قابل ابطال است فرضیه خارج از قلمرو دانش است . اما ابطال پذیری در مقام تجربه نیازمند یافتن شواهد ناسازگار به شکل متکثر و داوری اجتماع علمی در باره آن است واینکه تئوری ناکارآمد است .

شرایط ابطال پذیری فرضیات علمی عبارتند از :

- ۱ - امکان یافتن گزاره های مخالف
- ۲ - گزاره های آن عام باشد
- ۳ - همه حالات در فرضیه نباید پیش بینی شود مانند فردا باران می آید یا نمی آید.
- ۴ - عمومیت : محدود به زمان و مکان نباشد
- ۵ - مرجع تجربی داشته باشد. امور اخلاقی ، فلسفی و فرا طبیعی نباشد.

تفاوت روش شناسی و روش تحقیق در علوم سیاسی

هرکار پژوهشی علمی بویژه درحوزه علوم انسانی و سیاسی نیازمند برخورداری از یک چارچوب منسجم آکادمیک در ساختار و ظاهر و رویکرد و رهیافتی روشمند در متن و محتوا و باطن پژوهش است.

اساساً نوشته ها و گفته های فاقد این دو ویژگی، هرچند مملو از دانش و تجربه و اطلاعات باشند، ارزش علمی ندارند؛ یعنی در واقع تکرار مکررات هستند و نه دانشی بردانش موجود می افزایند (آسیب بنیادی پژوهش) و نه گرهی از کار فرو بسته بشر می گشایند (آسیب کاربردی پژوهش). از این رو محققان همواره بعد از انتخاب موضوع تحقیق، با روش ها، چارچوب ها و رهیافت های متعدد برای انجام پژوهش مواجه اند که

انتخاب یکی از آن‌ها ضروری و درعین حال مشکل و دغدغه آفرین است. این نوشتار ضمن بیان مختصری از روش‌شناسی و رهیافت پست‌مدرن در علوم انسانی، به این بحث می‌پردازد که مواجهه پژوهشگر با رهیافت‌های نوین در علوم سیاسی باید فعال، آگاهانه، گزینشگر و نقاد باشد و با معیار قراردادن ملزومات و اهداف پژوهش از رهیافت‌های گوناگون بهره‌مند شود که نام آن را می‌توان «رویکرد تلفیقی» نهاد.

رهیافت‌های موجود در علوم انسانی

رهیافت‌های حاکم بر پژوهش‌های علمی، دانسته و ندانسته، تلفیقی از رویکردهای پوزیتویستی، تفسیری و انتقادی است. فارغ از شاخه‌های فرعی هر یک از این رویکردها اعم از پوزیتویسم منطقی، تجربه‌گرا، عقل‌گرای انتقادی، رفتارگرا و کارکردگرای ساختاری تفاوت این رهیافت‌ها در تفاوت پاسخ‌های آن‌ها به هشت پرسش است:

- ۱ - هدف پژوهش؛ ۲ - چیستی واقعیت اجتماعی؛ ۳ - سرشت انسان؛ ۴ - تفاوت شناخت علمی و فهم متعارف؛ ۵ - چیستی نظریه یا فهم مناسب در علوم اجتماعی؛ ۶ - چگونگی ارزیابی داده‌ها؛ ۷ - ماهیت داده‌ها و شواهد؛ ۸ - ارزش‌های مد نظر پژوهشگر و داوری او.

تفاوت روش‌شناسی و روش تحقیق

روش‌شناسی با روش تحقیق متفاوت است. معادل روش تحقیق همان متدولوژی است. فرهنگ اکسفورد در برابر واژه متدولوژی تعریف زیر را ارائه کرده است که بیشتر معنای شیوه‌وراه از آن استفاده می‌شود:

A set methods and principles used to perform a particular activity or procedure, plan of action, way, manner in which one conducts business, technique, systematic arrangement of actions

در حالی که در برابر واژه **approach** که معادل فارسی آن رهیافت، نظر کردن، رویکرد، نگرش و معبر است و معنای روش‌شناسی بیشتر با این واژه مناسبت دارد آورده است:

**A way of dealing with sb/sth, a way of doing or thinking
about sth such as a problem or a task**

گذشته از معادل‌یابی‌های زبانی که بحث ما نیست، در تفاوت روش تحقیق و روش‌شناسی می‌توان گفت روش تحقیق مجموعه‌ای از فنون و مهارت‌هایی است که از طریق آن‌ها می‌توان پدیده‌ها و موضوعات را در حوزه‌های مختلف علوم پژوهش کرد که در حوزه علوم سیاسی نیز این روش مختصات خود را دارد؛ مانند این که فرضیه می‌تواند نوعی رابطه علی را بین متغیرهای تابع و مستقل بیان کند یا از نوعی رابطه همبستگی بین متغیرها خبر دهد. در حالی که چیزی که در علوم سیاسی از آن به عنوان روش‌شناسی نام می‌بریم بیشتر از آن که مهارت و شیوه‌های گوناگون برای تحقیق یا پژوهش باشد، خبر از انواع رویکردها و نظرگاه‌ها به پدیده‌های سیاسی می‌دهد که بیشتر با فلسفه مدرن کانتی ارتباط دارد، از این رو که قائل به «نمود»‌های متکثر از «بود» واحد است.

در سیاست نیز روش‌شناسی، این تفاوت‌ها را آشکار می‌کند و به محققان در شناخت بهتر و دقیق‌تر و جامع‌تر پدیده‌های سیاسی یاری می‌رساند. از این رو روش‌شناسی در علوم سیاسی بیشتر بحثی معرفت‌شناختی است. از این رو شاید مناسب باشد که به جای واژه «رویکرد» یا **approach** واژه «مکتب» یا **school** را برای روش‌شناسی به کار ببریم. در واقع وقتی از طرح تحقیق، برنامه‌ریزی تحقیق، فرایند تحقیق، متغیرها، فرضیه، تعاریف مفهومی و عملیاتی، جمع‌آوری اطلاعات، اندازه‌گیری اطلاعات اعم از اسمی، رتبه‌ای، فاصله‌ای و نسبی، نمونه‌گیری و... سخن می‌گوییم درباره روش تحقیق سخن می‌گوییم. ولی وقتی سخن از رویکردهای پوزیتیویستی، هنجاری، نهادی، رفتارگرایی، فمینیستی و تجزیه و تحلیل گفتمان و انتخاب عقلایی سخن می‌گوییم، از رهیافت یا مکاتب در علوم سیاسی سخن می‌گوییم و عدم تمایز بین این دو ساحت موجب آشفتگی‌های ذهنی و عملی خواهد شد.

از این رو در هر رهیافت ممکن است روش‌های متفاوتی وجود داشته باشد. نسبت رهیافت و روش همانند نسبت دیدگاه و ابزار است. به عنوان مثال روش تاریخی در علوم سیاسی یعنی مراجعه به متون و اسناد تاریخی و تجزیه و تحلیل رفتارها و روابط و مواضع برای

شناخت واقعیت سیاسی در آن دوره و تأثیر آن بر تحولات بعدی. ولی در رهیافت‌های تاریخی مباحث دیگری مطرح است. برخی رهیافت تاریخی را به معنای شناخت اندیشه در شرایط زمانی و مکانی خودش می‌دانند، نه مطالعه مفاهیم در طول تاریخ. «مک‌این‌تایر» مخالف سیر خطی اندیشه است. او قائل به سنن فکری است که به موازات هم پیش می‌رود. رهیافت جامعه‌شناسی قائل به نوعی جبر است که همان تأثیر جامعه بر اندیشه است.

رهیافت اقتصادی می‌گوید اندیشه سیاسی چیزی جز بازتاب مسائل اقتصادی نیست. اثبات‌گرایی ویتگنشتاین معتقد است گزاره‌های فلسفی به نام‌ها تحلیل و تحویل می‌شود. این نام‌ها اجزای بنیادی‌ای هستند که ما به ازای خارجی دارند. اگر چیزی بخواهد معنا دار باشد یا باید قراردادی باشد یا ما به ازای خارجی داشته باشد و هرچه غیر از این دو باشد بی معنا و توتولوژیک است. پس می‌توان گفت روش‌شناسی نشانگر شیوه خاصی از نگرستن، سازمان دادن و شکل بخشیدن به تحقیق است.

رهیافت‌های موجود در علوم سیاسی که هر محقق در پژوهش و تجزیه و تحلیل خود از پدیده‌های سیاسی به آن‌ها نیازمند است عبارتند از: ۱ - پوزیتیویسم، ۲ - رفتارگرایی؛ ۳ - ساختارگرایی؛ ۴ - کارکردگرایی؛ ۵ - عقل‌گرای انتقادی یا مکتب فرانکفورت؛ ۶ - هرمنوتیک؛ ۷ - پدیدارشناسی؛ ۸ - تاریخ‌گرایی؛ ۹ - انتخاب عقلایی؛ ۱۰ - فمینیستی؛ ۱۱ - نهادگرایی. البته می‌توان تعدادی از این رهیافت‌ها را در ذیل عناوین کلی‌تری قرارداد؛ مانند این که هرمنوتیک و پدیدارشناسی را می‌توان در ذیل عنوان تفسیرگرایی قرارداد و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را برشمرد. هریک از رهیافت‌های مذکور تمایل دارند راه‌های گوناگون ارزشمندی را برای شناخت جهان معرفی کنند. این که با چه معیارهایی می‌توان تمایز این رویکردها را در علوم سیاسی شناخت و بیان کرد، محل بحث‌های گسترده در روش‌شناسی است. در ادامه برای نمونه رهیافت پست مدرن را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

اصطلاح «پست‌مدرن» در حوزه‌های فکری و فرهنگی گوناگون به کار می‌رود و متفکران و نویسندگان و فیلسوفان متعددی زیر چتر این اصطلاح قرار دارند؛ مانند ژان فرانسوا لیوتار نویسنده کتاب معروف «وضعیت پست‌مدرن»، میشل فوکو، ژان بودریا، ژاک دریدا و ریچارد رورتی. در واقع پست‌مدرنیسم بیانگر فضایی فرهنگی و فکری است با درون مایه‌ها، مشغله‌ها و پیش‌انگاشت‌های فلسفی ویژه‌ای که بی‌گمان با فضای فرهنگی و فکری گذشته متفاوت است (۱). از جمله جریان‌های فلسفی عمده‌ای که در رواج اندیشه پست‌مدرن در نیمه دوم قرن بیستم موثر بوده است، نیچه، فلسفه هرمنوتیک‌هایدگر، نقد آدورنو و هوکهایمر از عقل ابزاری و اندیشه روشنگری، نظریه ویتگنشتاین درباره بازی‌های زبانی و شکل‌های زندگی وابسته به آن‌ها و نظریه تامس کوهن درباره تحول و تاریخ علم و الگوهای علمی است.

مهم‌ترین مدعیات نظری‌های مذکور به طور بسیار خلاصه چنین است:

- هر تعبیری از جامعه بخردانه ناگزیر به جامعه‌ای توتالیتار منتهی می‌شود که در آن جایی برای آزادی و فردیت و خلاقیت نیست. از این‌رو پست‌مدرن‌ها نقد مارکس از سرمایه‌داری را نیز نارسا می‌دانند؛ زیرا متکی به منطق عقل ابزاری حاکم بر جامعه سرمایه‌داری است. به نظر نیچه عقل نمی‌تواند جای نیروی یگانگی بخش سنت و مذهب را بگیرد و میان انگیزها و نیت‌های متضاد افراد هماهنگی ایجاد کند. عقل به راستی نقابی است بر چهره خواست قدرت. خواست قدرت در لباس عقل توهم‌هایی مانند نظریه‌های علمی و ارزش‌های جهانگیر اخلاقی را پدید می‌آورد.

- نقد علم: دردنیای جدید علم برای تفسیرنهایی و کلی جهان جای مذهب را گرفته است، ولی تفسیر علمی چون زندگی را از معنای تهی می‌کند و ارزش‌ها را توجیه ناپذیر می‌سازد، موجب حاکمیت نهیلیسم می‌شود. در واقع از نظر نیچه علم و مذهب هر دو اسطوره‌اند، ولی روشنگری یکی یعنی علم را بردیگری یعنی مذهب ترجیح داده است.

- نفی روایت‌های کلان: جهان در تمامیتش قابل شناخت و ارزیابی نیست و هیچ روایتی یا چشم‌اندازی نمی‌تواند مدعی اعتبار نهایی شود پس باید تنوع روایت‌ها را پذیرفت و توهم شناخت واقعیت عینی را کنار گذاشت.

- رد جهانگستری اصول و ارزش‌ها: متفکران پست‌مدرن معتقدند عقل ذاتا مدعی جهانگستری و فراگیری است و مطلق باوری را رشد می‌دهد و جامعه را همچون کلیتی یگانه می‌داند و پلورالیسم را نادیده می‌گیرد و تفاوت‌ها و جلوه‌های گوناگون فرهنگ را از بین می‌برد. در مقابل، پست‌مدرن‌ها می‌گویند شناخت کلیت ساختار اجتماعی نه ممکن است و نه ضروری. این متفکران بر محلی بودن، نسبی بودن و غیر ضروری بودن حقیقت احکام و تنوع و بسیار گونگی شکل‌های زندگی تاکید می‌کنند. از این‌رو آن‌ها عصر حاضر را عصر پایان آرمانشهرها و پایان هرگونه توهم درباره رهایی بشر می‌دانند؛ زیرا رهایی یک توهم خطرناک است؛ سرنوشت اندیشه و گفتاری که پیش انگاشت آن مفاهیمی مانند بشریت یا تاریخ یا رهایی و جز آن باشد توتالیتاریسم است. از این روریشه ترور و خشونت را نه در عمل استالین و پول پوت و صدام بلکه در نظر کانت، هگل و مارکس جست‌وجو کرد.

رهیافت پست‌مدرنیسم در علوم سیاسی

در علوم سیاسی رهیافت پست‌مدرن برخلاف دیدگاه‌های سنتی، دیگر نگرشی درباره امور واقع جهان نیست، بلکه نگرشی نسبت به نگرش‌های رایج است. در واقع به نگاه‌هایی که به جهان واقع دوخته شده نگاه می‌کند و نه به خود جهان. پست‌مدرن‌ها که گاه از منظر فراساختارگرایی، هرمنوتیک و دیگر مواضع فلسفی ظاهر می‌شوند، روش‌شناسی پوزیتویستی را مورد انتقادات جدی قرار داده‌اند که مهم‌ترین آن عبارت است از این که علوم اجتماعی اثباتی، برخلاف ادعای خود، وسیله کشف حقیقت نیستند؛ زیرا حقیقتی به این معنا وجود ندارد، بلکه حقیقت در هر زمان محصول روابط قدرت است.

شناخت علمی اصولاً عام و کلی نیست بلکه مقید به متن تاریخی و اجتماعی است. علم هم مانند اقتصاد و دولت و خانواده یکی از عوامل اعمال سلطه و قدرت است. در نتیجه پست‌مدرن‌ها «پارادایم»ها را نفی می‌کنند؛ زیرا در واقع مخالف نظریه عمومی کلی و انتزاعی هستند. پست‌مدرن‌ها این تصور که انسان و جامعه اموری ثابت و مستمر در هویت و در ساخت‌ها و کار ویژه‌ها هستند را نفی می‌کنند و بر خصلت فراوردگی سرشت و هویت اجتماعی انسان تاکید می‌کنند و بدین ترتیب پارادایم‌های بزرگ نظری در دهه ۱۹۸۰ فرو می‌ریزد (۲). از این روی می‌توان کم رونق شدن روش‌های تحقیق پوزیتیویستی را نیز تحلیل کرد.

به نظر دکتر بشیریه در پی ایجاد بحران در روش‌شناسی و رهیافت‌های علوم اجتماعی چهار واکنش در میان اندیشمندان شکل گرفت: دسته اول کسانی هستند که گویا هیچ اتفاقی نیفتاده و همان روش‌های سنتی اوایل قرن بیستم را اجرا می‌کنند. دسته دوم، خرد نگری‌ها را به طور کلی کنار گذاشته و تفسیرهای گسترده از تحولات جهانی را برگزیده‌اند؛ مانند هانتینگتون، فوکویاما و تافلر. اما دسته سوم به بازاندیشی رابطه میان واقعیت‌ها و نظریه‌ها پرداخته‌اند به گونه‌ای که در خدمت بهسازی جامعه قرار گیرد. براساس این دیدگاه که برخی آن‌ها را «پست‌پوزیتیویسم» می‌نامند، ریشه شناخت و سیاست‌گذاری را نه در علم اثباتی و عینی بلکه در تعامل گفتمانی باید جست.

اما دسته چهارم همان پست‌مدرن‌ها هستند که بر عدم امکان دستیابی به تصویری از جهان براساس معیارهای معتبر تأکید می‌کنند. در مجموع روش‌شناسی پست‌مدرنیستی سه داعیه دارد: ۱ - انقراض علوم اجتماعی به این معنا که نمایش ادراکی جهان اجتماع به وسیله علوم اجتماعی رایج ممکن نیست؛ ۲ - انقراض تجدید؛ ۳ - انقراض سوژه فردی و بر ساختگی بودن هویت‌ها و هزار پارگی فرد.

نقد‌های دیگر در کتاب هستی و زمان (۱۹۲۷) از گفتمان فلسفی مدرنیته، بویژه از عقل سوژه محور، ارتباط عمیقی با روش‌شناسی پست‌مدرن دارد. هایدگر فرض دکارت را مورد نقد قرار می‌دهد. دکارت بین فاعل شناسا و موضوع شناسایی، تفاوت وجدایی اساسی قائل

می‌شود. دکارت معتقد است جهان، پیکرمادی منفعلی است که انسان بیرون از آن است و وفق علایق خود اشیای منفعل را مورد تأمل و مشاهده و داوری قرار می‌دهد و نوعی رابطه ابزاری و فن‌آورانه بین انسان و جهان وجود دارد. مبانی فلسفی روش‌شناسی پوزیتیویسم را می‌توان در اندیشه دکارت مشاهده کرد، اما هایدگر که تأثیر مهمی بر روش‌شناسی پست‌مدرن گذاشت، از موقعیت‌مندی انسان در جهان دفاع می‌کند؛ یعنی انسان خود از طریق جهان و در آن وجود می‌یابد. انسان از طریق دیگران و در زبان در جهان است. هایدگر می‌گوید جهان را بشنوید و اقتدارگرایانه به آن نگاه کنید (۳).

همان‌طور که در عبارات مذکور اشاره شد اندیشه‌های نیچه نیز از محوری‌ترین الهامات تفکر پست‌مدرن است. ایده افقی بودن اندیشه‌های نیچه اساساً با هرگونه پارادایم‌سازی در علوم انسانی ناسازگار است. نیچه، اندیشه‌ها را قیاس‌ناپذیر و تفاوت آن‌ها را ذاتی می‌داند و دموکراسی و مذهب را از این جهت مورد حمله قرار می‌دهد که می‌خواهند با یکسان‌سازی، تفاوت‌ها را زدوده و تجانس ایجاد کنند. از نظر نیچه ایدئالیسم در صدد است به واقعیات پراکنده واصل وحدت بخشد؛ همان چیزی که نظریه و قانون در روش‌شناسی دنبال می‌کنند.

به نظر نیچه وقتی حقیقتی مرکزی برای زندگی فرض شود، آن گاه باید دیگر وجوه زندگی را منکر شد، در حالی که زندگی کلیتی از تفاوت‌هاست و فروکاهش آن به اصلی واحد خطا و غیر ممکن است. به نظر نیچه زندگی انسان اساساً تقلیل‌ناپذیر و مجموعه‌ای است از تفاوت‌ها. زندگی بر حسب هیچ حقیقت‌نمایی‌ای شناختنی نیست، اما فلسفه و علم و دین با تعیین حقیقتی مرکزی، زندگی واقعی را که مشحون از تفاوت‌هاست انکار می‌کنند. حتی آن چیزی که اخلاق مداران و دین مداران از آن به عنوان ارزش یاد می‌کنند ذاتی نیستند، بلکه در بازی نیروها ساخته می‌شوند و این جهان «اراده معطوف به قدرت» است. در واقع می‌توان مواضع اصلی تفکر پست‌مدرن را به شرح زیر بیان کرد که در روش‌شناسی آن نیز موثر است.

تأکید بر بازنمایی و وضع واقعیت به جای حضور یا نمایش واقعیت

از نظریست‌مدرن‌ها بازنمایی، حوزه نشانه‌ها و مفاهیم است که در مقابل امکان حضور امر تجربی و عینی قرارداد. از دیدگاه پست‌مدرن هیچ واقعیتی برای محقق، بلاواسطه حاضر نیست و از زبان و نشانه‌ها قابل جدایی‌ناپذیر است. به عبارت دیگر هیچ‌گونه داده عینی شفاف و بلاواسطه‌ای در کار نیست و این دو عامل یعنی زبان و بازنمایی، نمایش عینی واقعیت را ناممکن می‌سازد. پس همه پژوهش‌ها در واقع درباره پدیدارهاست نه درباره پدیده‌ها و این پدیده نیز در متن زبان و سخن وجود می‌یابد.

نفی ساختارگرایی و رفتارگرایی

ساختارگرایان در روش‌شناسی تلاش می‌کنند واقعیت‌ها را از پس ساختارها درک و تحلیل کنند و رفتارگرایان نیز رفتاربا‌زیگران را مبنای درک تحولات قرار می‌دهند و به سطح بی‌اعتنا هستند. در حالی که پست‌مدرن‌ها می‌گویند در پس سطح هیچ عمق و متنی در کار نیست.

نفی منطق استقرایی در علم و پژوهش

همه مکاتب روش‌شناسی از منطق استقرا بهره برداری می‌کنند و لازمه رشد تفکر را شروع اندیشه‌های ساده و روشن و جزیبی می‌دانند، در حالی که پست‌مدرن‌ها هرگونه شفافیت و وحدت معانی و مفاهیم را انکار می‌کنند. به نظر آن‌ها هر پدیده بافتی است از روابط و هیچ چیز ساده و بلاواسطه و حاضری وجود ندارد و هرمتنی به اشکال مختلف قرائت است و لایه‌های تو در تو دارد. در حالی که در روش‌شناسی پوزیتویستی زبان روزمره مبهم و ارزش‌گذارانه است؛ بنابراین باید به جای آن زبانی دقیق و شفاف برای

بازنمودن واقعیت خارجی به کار برد و این زبان علمی را هرچه بیشتر از ابهامات زبان روزمره خالی کرد.

یعنی فرض اصلی پوزیتویسم جدایی زندگی از زبان زندگی و یا استقلال واقعیت از زبان است، درحالی که هرمنوتیک به عنوان یک بخش اساسی از اندیشه پست‌مدرنیستی جدایی و استقلال بین زندگی و زبان قائل نیست و می‌گوید کردارهای اجتماعی را زبان ما شکل می‌دهد و زبان نیز در متن کردارهای اجتماعی شکل و معنا می‌یابد و زبان از مجرای گوینده سخن می‌گوید و نه گوینده به واسطه زبان. بنابراین فهم واقعیت اجتماعی مستلزم کشف معانی بین‌الذهانی و مشترکی است که واقعیت در بستر آن‌ها شکل می‌گیرد.

برخلاف روش‌شناسی‌های قرن بیستم که بر ضرورت عدم دخالت پیش‌داوری‌ها و تعصب محقق در پژوهش‌ها تأکید می‌کنند، در پست‌مدرنیسم بویژه در هرمنوتیک فلسفی گادامر و پدیدارشناسی‌های دیگر بر نقش سنت و پیش‌داوری و تعصب در معرفت و فهم انسانی تأکید بسیار می‌شود و نقش پیش‌داوری‌ها در فهم اجتناب‌ناپذیر انگاشته می‌شود؛ زیرا اساساً امکان آگاهی در سنت و تاریخ حاصل می‌شود و چون امکان شناخت سنت و تاریخ به مثابه فاعل شناسا به طور مطلق ممکن نیست، شناخت کامل نیز ممکن نیست؛ یعنی میان سوژه و واقعیت همواره پرده‌هایی از زبان و گفتمان قرار دارد و معرفت‌شناسی با همین پرده زبان گفتمان سر و کار دارد، نه با آگاهی از واقعیت. حال پرسش این است که چنین نظرگاهی به واقعیت‌ها یعنی روش‌شناسی پست‌مدرن آیا اساساً قابل تصور است؟ و اگر قابل تصور است به چه کار می‌آید؟ پاسخ این است که هرچند روش‌شناسی پست‌مدرن چارچوب ندارد و اساساً چارچوب‌پذیر نیست، ولی مفید است.

در تجزیه و تحلیل‌هایی که در پژوهش‌های علوم سیاسی به آن نیاز داریم، آموزه‌های پست‌مدرنیسم به کار می‌آید و لایه‌های پنهانی از حقایق را برای محقق می‌گشاید. مقولات مهمی مثل زبان، تاریخ، سنت، آگاهی و... که ستون فقرات پیکره پست‌مدرنیسم را

می‌سازند، نباید در تجزیه و تحلیل وقایع، رفتارها و مواضع و جهت‌گیری‌های مورد مطالعه نادیده انگاشته شود. به دیگر سخن غفلت از این مولفه‌ها پژوهش را از جامعیت، تیز بینی و عمق خالی می‌کند. در حوزه علوم سیاسی، نظریه دانش و قدرت فوکو راهگشای بسیاری از ابهامات و تیرگی‌های ذهنی است؛ چیزی که هابر ماس نیز آن را پذیرفته و معتقد است عقل همواره ریشه در شرایط اجتماعی فرهنگی و تاریخی خاص دارد و با قدرت و علایق انسانی آمیخته است.

پس مقوله‌ها و معیارهای ارزیابی عقلی در شرایط تاریخی مختلف متفاوتند. از این روبخش مهمی از علوم انسانی جدید توجیه کننده و حتی در خدمت نظم موجود است و چشم برنارسایی‌های جامعه مدرن بسته است؛ زیرا در واقع حقیقت توسط نخبگان و پژوهشگران کشف نمی‌شوند؛ یعنی وجود خارجی ندارد که کشف شود، بلکه ساخته یا تولید می‌شود و هر جامعه‌ای نیز رژیم حقیقت‌ساز خود را دارد که بیانگر رابطه قدرت و دانش است؛ قدرت و سلطه‌ای که معیار عقلی و غیر عقلی را بیان می‌کند.

از این‌رو علوم انسانی و علوم سیاسی نه تنها از درون مجموعه نهادهایی که ساختار کلی شان بیانگر سلسله مراتب قدرت است پدید آمده‌اند، بلکه عملکرد آن‌ها نیز در چارچوب همین سلسله مراتب قدرت است. به همین جهت، قدرت در جامعه مدرن به شکل غیرمستقیم از طریق رابطه‌های عقلی اعمال می‌شود. اما تحلیل شکل‌های جدید قدرت و سلطه به عنوان موضوع علم سیاست با روش‌ها و چارچوب‌های سنتی قابل انجام نیست. از این‌رو به نظر می‌رسد در پژوهش‌های علوم سیاسی می‌توان تلفیقی از رویکردهای پژوهشی را به کار گرفت، ولی با آگاهی به نقاط قوت و ضعف هر یک از رویکردها و تناسب انتخاب یک رویکرد با هدف پژوهش یا بخشی از پژوهش.

از این‌رو هنوز هم در یک پژوهش علمی می‌توان در جمع آوری داده‌ها و تکیه بر واقعیت‌های بیرونی، رویکرد عینی و واقع‌گرا داشت و از دستاوردهای پوزیتیویسم بهره گرفت، ولی در تجزیه و تحلیل اطلاعات، ضمن کار آماری و ریاضی، روی داده‌های به دست

آمده از منظر پست‌مدرن و رویکردهای زیر مجموعه آن یعنی پدیدارشناسی، هرمنوتیک و... به تحلیل یافته‌های تحقیق پرداخت و در ارائه نتیجه و رهنمون رویکرد انتقادی به وضع موجود داشت و ساختارهای موجود را به نقد و بررسی کشاند.

فصل چهارم: نتایج

هدف این فصل چکیده سازی و خلاصه نویسی مکانیسم و روشهای آماری جمع اوری داده هاست. در پاراگراف اول از این فصل مساله تحقیق مجدداً بازگویی می شود که برگرفته از فصل اول است. شما باید نتایج برجسته، عینی، تجربی، سوالی و آماری بدست آمده را در این فصل در قالب گراف، چارت و جداول شرح دهید. جدولها و اشکال باید به دقت انتخاب شود برخی از پژوهشها از این حیث به توجه بیشتری نیاز دارد. مطالب خسته کننده را وقتی برای همکاران علم ی و تخصصی شما روشن و اشکار است مدام تکرار نکنید و فراموش نکنید که مخاطب شما منظور پژوهش را درک می کند. برخی از مشاوران پژوهشی این جداول و گراف ها را درک نمی کنند و این باعث می شود که از شما درباره جزییات آن پرسش کنند. در حالی که جداول و اشکال باید بدون رجوع به متن بعنوان مستندات مدون و منظم قابل فهم باشد. در این فصل همه نتایج مرتبط با پژوهش را یادداشت کنید هرآنچه که فرضیه شما را باطل می کند یا باعث مبهم شدن اهداف شفاف شما می شود را در این فصل ذکر کنید.

درواقع در فصل چهارم مبتنی بر روش شناسی فصل سوم و مطالعات صورت گرفته برای جمع اوری داده ها، یافته های تحقیق بصورت روشمند و مدون ارائه می شود. به عبارت دیگر در فصل دوم سابقه موضوع تحقیق تبیین می گردد و در فصل سوم روش پژوهش و تحقیق بیان می گردد و در فصل چهارم یافته های تحقیق اعم از کمی و کیفی بیان می گردد.

فصل پنجم : بحث و توصیه

این فصل شامل بخشهای زیر است :

۱- هدف از مطالعه و پژوهش

۲- بیان چکیده ای از روش ، رویکرد و رویه ها

۳- بیان یافته های اصلی فصل چهارم

بحث :

بحث شامل موارد زیر است : ارجاع به فرضیه ، یافته ها و سوالها ، ارزیابی معانی مفاهیم با نتایج و مقایسه و تفسیر آنها ، تعمق و تفکر با استدلال و قضاوت و داوری محکم و تجربه و آزمایش موضوع

این فصل سخت ترین و مشکل ترین بخش از یک پژوهش است زیرا کمیسیون داوری یا هیات داوران چالش اصلی را با شما در مقام دفاع در این فصل خواهد داشت. در این فصل ارجاعی نیز به مطالعات فصل دو یعنی مروری بر ادبیات تحقیق خواهید داد و بحث خود را با آن مطالعات مقایسه کرده و گاه در تضاد قرار می دهید. بویژه اگر قصد مقایسه فرضیه خود را با تئوریهای مرتبط با بحث داشته باشید. این فصل تا حد زیادی تابع توان و قدرت تجزیه و تحلیل محقق است تا بتواند در چارچوب نظری و مفهومی تحقیق و با روش شناسی برگزیده شده برای تحقیق بتواند بحثهای اصلی خود را بیان کند . معیار اصلی هیات داوران برای ارزیابی پژوهش نیز عمدتاً به این فصل باز می گردد.

نتیجه گیری:

نتایج مستقیماً به سوال و موضوع تحقیق شما مرتبط می شود. نتایج سهم و نقش شما را در علم مرتبط نشان خواهد داد و خلا و شکاف موجود در دانش مربوطه را در

پژوهشهای بنیادی پر می کند و به حل مساله و مشکل و معضل در پژوهشهای کاربردی کمک می رساند . این بخش با شاخص نمودن موضوع مطالعه شما و با پاسخهایی که به مسائل مربوط به فصل یک و دو مطرح کردید توان تعمیم دهی آن را اشکار می سازد . برای اولین بار در این پژوهش شما مجاز هستید در این بخش از فصل پنجم نظرات و دیدگاههای شخصی خود را بعنوان محقق متناسب با یافته های تحقیق بیان کنید.

توصیه :

توصیه می تواند در دو قالب ارایه شود : اول توصیه برای پژوهشهای بعدی دوم توصیه ها و پیشنهادهایی برای تغییر رویه ها و روندهای موجود در نظر و عمل یا هر دو . هر توصیه ای باید مستقیماً به نتایج تحقیق اشاره داشته باشد و با آن مرتبط باشد و در واقع متکی و مبتنی بر یافته ها و نتایج پژوهش باشد تا از مشروعیت علمی برخوردار باشد.

منابع :

ذکر منابع باید منطبق با منبع نویسی های استاندارد جهانی مانند شیکاگو یا APA باشد .

ضمانت :

اگر مطالعه و پژوهش شما سازمان و نهادی را در برمی گیرد شما نیاز دارید برای کسب اطلاعات لازم با بالاترین مقام ان سازمان مکاتبه کرده و اجازه دریافت کنید . یا اگر موضوع تحقیق ایجاب می کند که در باره افرادی زیر سن قانونی مورد مطالعه قرار گیرند باید رسماً از والدین آنها کسب اجازه کنید . جداول و اشکال اصلی و فرعی نیز در بخش ضمیمه می آید تا چنانچه کمیته داوری شما به آنها نیاز داشت ارایه دهید . همچنین تاریخچه مختصر برخی موسسات که در تحقیق به آنها اشاره شده می تواند در این بخش آورده شود.

منابع روش شناسی در علوم اجتماعی :

- ۱ - فوت وایت ، ویلیام (۱۳۸۵) پژوهش عملی مشارکتی ، ترجمه محمد علی حمید رفیعی ، تهران ، دفتر پژوهشهای فرهنگی
- ۲ - هاراوی ، جان (۱۳۸۴) درآمدی بر پژوهشهای اماری ، ترجمه لینا ملکمیان و تقی برومند زاده ، تهران ، دفتر پژوهشهای فرهنگی
- ۳ - استرینگر ، ارنست تی (۱۳۸۱) تحقیق عملی : راهنمای مجریان تغییر و تحول ، ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی ، دفتر پژوهشهای فرهنگی
- ۴ - افتخاری ، قاسم (۱۳۸۴) تبارشناسی و شناسایی دانش و روش علمی ، پژوهشنامه علوم سیاسی ، شماره ۱
- ۵ - افتخاری ، قاسم (۱۳۸۵) بررسی روش شناختی پایان نامه های دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه تهران ، پژوهشنامه علوم سیاسی ، شماره ۵
- ۶ - سید امامی ، کاووس (۱۳۸۹) جای خالی پژوهشهای تجربی در علوم سیاسی ایران ، پژوهشنامه علوم سیاسی ، شماره ۱۸
- ۷ - مشیرزاده ، حمیرا و مسعودی حیدر علی (۱۳۸۹) نظریه و پژوهش در روابط بین الملل ، مطالعه موردی رساله های دکتری ، شماره ۱۸
- ۸ - سایر ، اندرو (۱۳۸۸) روش در علوم اجتماعی (رویکرد رئالیستی) ترجمه عماد افروغ ، تهران ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۹ - محمد پور ، احمد (۱۳۸۹) روش در روش : درباره ساخت معرفت در علوم انسانی ، انتشارات جامعه شناسی
- ۱۰ - محمد پور ، احمد (۱۳۸۹) ضد روش : منطق و طرح در روش شناسی کیفی ، انتشارات جامعه شناسی
- ۱۱ - محمد پور ، احمد (۱۳۸۹) فراروش : بنیان های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری ، انتشارات جامعه شناسی
- ۱۲ - حقیقت ، صادق (۱۳۸۵) روش شناسی علوم سیاسی ، دانشگاه مفید قم
- ۱۳ - سنجابی ، علیرضا (۱۳۸۴) روش شناسی در علوم سیاست و روابط بین الملل ، قومس

۱۴ - ساعی ، علی (۱۳۸۷) روش تحقیق در علوم اجتماعی : با رهیافت عقلانیت انتقادی ،

سمت

۱۵ - سریع القلم ، محمود (۱۳۸۰) روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین الملل ، فرزانه روز

۱۶ - سروش ، عبدالکریم (۱۳۸۴) درسهایی در فلسفه علم الاجتماع : روش تفسیر در علوم

اجتماعی ، نی

۱۷ - راین ، آلن (۱۳۸۲) فلسفه علوم اجتماعی ، ترجمه عبدالکریم سروش ، صراط

۱۸ - ۱ - حقیقی ، شاهرخ (۱۳۷۹) گذار از مدرنیته (نیچه ؛ فوکو ؛ لیوتار ؛ دریدا) آگاه

۱۹ - ۲ - بشیریه ، حسین (۱۳۸۲) لیبرالیسم و محافظه کاری (تاریخ اندیشه های سیاسی قرن

بیستم) ، نی.